

یادداشت

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا:

ایران و اروپای دلزده از یک‌جانبه‌گرایی

عابد اکبری*

● انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۹۹ برگزار خواهد شد. برخلاف انتخابات پیشین آمریکا که اروپا رویارویی دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان را با انگیزه و علاقه بسیاری پیگیری می‌کرد، در این انتخابات با وجود فرصت کوتاه باقی‌مانده، کارشناسان اروپایی به‌جای ارائه تحلیل، صرفاً منتظر اعلام نتیجه قطعی هستند. مروری بر آثار اندیشکده‌های اروپایی در کشور های ایتالیا، فرانسه، بریتانیا، آلمان و لهستان نشان می‌دهد پنج موردی که اروپایی‌ها در تحلیل‌های خود درباره انتخابات آتی در آمریکا به آنها واکنش نشان داده‌اند، بر موضوعاتی مانند ناکارآمدی ترامپ در مدیریت بحران کرونا، نتیجه بی‌اهمیت انتخابات برای کشورهای اروپایی، بی‌ثباتی در سیاست‌های داخلی آمریکا، ضرورت تغییر در سیاست‌های خارجی این کشور و رویکرد آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران بوده است.

● مدیریت بحران کرونا: از نگاه اروپایی‌ها، بروز بحران کرونا در آمریکا که منجر به مرگ افراد بسیاری در این کشور شد، آثار حیثیتی مهمی برای ترامپ داشته است. این بحران موجب خواهد شد رئیس‌جمهور جدید با مشکلات اقتصادی بسیاری مواجه باشد و درنتیجه، نفوذ ژئوپلیتیکی آمریکا بیش از پیش کاهش یابد. ضعف اقتصادی موجب کاهش حمایت داخلی از ایضای نقش بین‌المللی آمریکا خواهد شد و هژمونی آمریکا بیش از گذشته زیر سؤال خواهد رفت و به تبع، بوده‌جه دفاعی آمریکا نیز به‌شدت متنبض خواهد شد.

● نتیجه بی‌اهمیت انتخابات برای اروپا: اروپایی‌ها با توجه به رویکرد یک‌جانبه‌گرانه ترامپ در چند سال گذشته و ارزیابی آن به‌عنوان راهبرد بلندمدت آمریکا، بر این باورند که در آینده، این رویکرد چه با حضور ترامپ و چه با پیروزی بایدن ادامه خواهد یافت. از نظر اروپا، اهمیت ندارد چه کسی در آمریکا انتخاب شود؛ مسیری که ترامپ برای قطع روابط با هم‌پیمانان اروپایی خود پیموده، بازگشت‌ناپذیر است. بایدن نیز صرفاً درصورتی‌که واقع‌بینانه رویکرد متفاوتی در قبال موضوعاتی مانند ایران، تجارت با اروپا و روابط با چین و روسیه داشته باشد می‌تواند برای اروپا اهمیت یابد.

● سیاست‌های داخلی آمریکا؛ سو‌مدیریت ترامپ در جریان شیوع کرونا موجب شده است تنها ۳۳ درصد از جمعیت این کشور مدیریت او در بحران سلامت عمومی را تأیید کنند و سایرین منتقد او باشند. به نظر اروپا، این احتمال تقویت شده است که ترامپ در دور دوم موفق نشود. اعتراض‌های بی‌سابقه فعلی علیه تبعیض نژادی در آمریکایی‌کی از موضوعات اصلی بحث‌های سیاسی و انتخاباتی در این کشور است. شکاف بین رای‌دهندگان آمریکایی به‌شدت در حال افزایش است. هریک از دو طرف، حامیان نامزد رقیب را به‌عنوان فسردی با رویکرد مغایر با آنها در نظر نمی‌گیرند، بلکه متعصبانه طرف مقابل را غیرآمریکایی و خائن به ارزش‌های ملت معرفی می‌کنند. ضمن آنکه رویکردهای بی‌سابقه دیگری نیز در آمریکا دیده می‌شود؛ ازجمله اینکه برخی از جهوری‌خواهان به‌شدت برای شکست ترامپ تلاش می‌کنند. به نظر اروپا، حتی اگر ترامپ پیروز شود، بازنده واقعی جامعه آمریکاست که دچار شکاف عمیقی شده است. فرهنگ جنگ داخلی بر این کشور سایه انداخته و مردم در انتظار بهبود شرایط بهداشت، سلامت و درآمد هستند.

● سیاست‌های خارجی آمریکا؛ از نظر سیاست خارجی، ترامپ در وضعیت بغرنجی‌ای است که نتیجه یک‌جانبه‌گرایی او به‌ویژه در تقابل با اروپاست. هم‌پیمانان سنتی آمریکا، نه‌فقط به ترامپ به‌عنوان رهبر کشور نگاه نمی‌کنند، بلکه حتی به او اعتماد نیز ندارند. پس از بحران کرونا، انتظار اروپا از آمریکا به‌دست‌گرفتن رهبری جهان بود که متأسفانه این هم‌گرایان اصلی اروپا، با رویکردی یک‌جانبه، مانع تحقق راینی‌های دیپلماتیک برای کاهش اثرات بحران کرونا شد و پیوسته در حال دامن‌زدن به شکاف‌هایی است که چین از آنها بهره‌برداری می‌کند. کارنامه ریاست‌جمهوری ترامپ سرشار از شکست‌های مختلفی در کره‌شمالی، غرب آسیا، روابط با چین و روسیه است. از نظر رهبران اروپا، ترامپ با خروج یک‌جانبه از توافق هسته‌ای با ایران و خروج از توافق‌های نظارت تسلیحاتی با روسیه، صدمه جبران‌ناپذیری به امنیت اتحادیه اروپا وارد کرده است. به نظر می‌رسد در صورت انتخاب دوباره ترامپ، اکثر رهبران اروپایی تمایلی به دیدار و برقراری روابط دوجانبه با او نخواهند داشت.

رویکرد در قبال ایران: آشنفگی و سردرگمی ایالات متحده در سیاست‌هایش در غرب آسیا موجب شده این موضوع به یکی از بحث‌های داغ انتخابات آمریکا تبدیل شود. در نتیجه، دموکرات‌های آمریکایی مجبور شده‌اند جایگزین شفاهی برای سیاست «اول آمریکا» ترامپ ارائه دهند که با توجه به آن، اروپایی‌ها امیدوارند رفتار آمریکا در غرب آسیا تعدیل شود. از نظر اروپا، سیاست خارجی ترامپ درمقابل جمهوری اسلامی ایران و اتحاد سیاست فشار حداکثری به‌طور کامل شکست خورده است.

● رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

علیرضا غریب‌دوست: عباس عبدی فعال سیاسی و روزنامه‌نگار اصلاح‌طلبی است که سوابق او در ابتدای انقلاب در نخست‌وزیری، دادستانی و تسخیر سفارت آمریکا بیش از فعالیت‌های اجتماعی‌اش در یادها مانده است. او معتقد است که «وصف» اسلامی را به‌عنوان «قید» برای جمهوری در کشور تفسیر کرده‌ایم و این باعث بروز تناقض شده است. عباس عبدی با برشمردن جایگاه رانت نفتی، قدرت رسانه، تعارض میان بالای هرم قدرت و مردم را باعث بروز وضعیت کنونی در شکاف میان قدرت و مردم می‌داند.

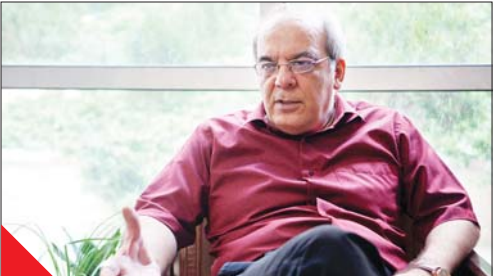
● به اقتضای مسئولیت‌تان در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و سبقه فعالیت در نشریات، مطمئن هستم که در جریان سلسله گفت‌وگوهای روزنامه «شرق» با محوریت تحلیل ساخтары کلان کشور با تمرکز بر تحولات دهم گذشته از منظر سیاسی و اجتماعی قرار دارید. هدف ما از این گفت‌وگوها یافتن پاسخ این پرسش است که کدام مسائل اصلی نیازمند تحول در ۱۰ سال گذشته وجود داشته که فرصت بهره‌برداری از آنها را از دست داده‌ایم و اگر اکنون اقدامی فوری نکنیم ممکن است دیگر فرصت جبران نداشته باشیم. بنابراین با نگاه به شاخص‌ترین وقایع و تحولات ایران از سال ۱۳۸۸ تا امروز این سؤال را مطرح می‌کنم که به نظر شما چه فرصت‌هایی در دهم گذشته از دست رفته و چه تهدیدهایی در پیش‌روی ما قرار دارد که از تجارب حاصل از آنها امروز باید استفاده کنیم؟

این دهم ۹۰ و مسائلی که در آن وجود داشته، در ادامه دهه‌های قبلی است و باید دید چه اتفاقی در گذشته رخ داده که اکنون ممکن است یک تغییر کیفیت به‌کمیت در حال رخ‌دادن باشد. شما یک حوضچه بزرگی دارید، بعد شروع می‌کنید روزی یک قطره برمگنات در آن می‌ریزید، هر روز که یک قطره بریزید تفاوت ملموسی با روز پیش نمی‌شود، اما بعد از ۳۰۴۰ سال این حوضچه که آب زلانی داشت کاملاً قزم می‌شود؛ درواقع اگر با تحلیل دیالکتیکی مارکسیستی ببینیم، تغییراتی که رخ می‌دهد از یک‌جا به بعد دیگر تغییرات کمی نیست بلکه کیفی می‌شود، مثلاً یک کودک بزرگ می‌شود و رشد می‌کند اما در یک مقطع است که به زن تبدیل می‌شود و قدرت باروری پیدا می‌کند. اما آن لحظه، لحظه‌ای نیست که آن اتفاق ایجاد شده باشد، زمانی است که تحقق آن اتفاق را شاهد هستیم، اینجا هم همین‌طور است؛ در ۱۰ سال گذشته ممکن است تغییرات کمی و کیفی را دیده باشیم اما ریشه‌اش در گذشته است. این سیستم روی چند پایه استوار بوده؛ اولین و مهم‌ترین پایه‌اش مردم است. در این مورد هیچ اختلاف نظری نیست که این انقلاب یک انقلاب مردمی و مبتنی‌بر یک خواست عمومی بوده است. حالا اینکه این خواست خوب بوده یا بد، موضوع بحث نیست. مادامی‌که این سیستم متکی بر این اصل باشد، می‌تواند به راه خود ادامه دهد. اما در طول چهار دهه دچار نارسایی‌ها و تضادهایی شد از این جهت که حکومت دوبایه تعریف شده است، یک پایه‌اش اسلامیت است و یک پایه‌اش جمهوریت. پایه اسلامیت مبتنی‌بر ولایت فقیه و انتخاب مجلس خبرگان است که منتخب مردم هستند اما شرایط انتخاب‌شدن در مجلس خبرگان، چارچوب بسیار خاص و تعریف‌شده‌ای دارد که با بالا

سیاست

گفت‌وگو با عباس عبدی

«اسلامیت قید» یا صفت «جمهوریت»



عبدی

عباس عبدی

سخنرانی

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال

۱۳۸۸

در

مجلس

و

در

تهران

در

سال